

نحوه بازنگری از آراء دادگاه‌های کیفری بین‌الملل

پژمان برنازاده^۱، دکتر علیرضا سایبانی^۲

۱: دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس، واحد بندرعباس، بندرعباس
 ۲: عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بند عباس

چکیده

در هر دادگاه و نظام حقوقی برای مجازات ناقضین حریم قوانین، مقرراتی اندیشیده و تبیین گردیده است و متعاقب آن برای اینکه فردی بی‌گناه متحمل این مجازات نگردد فرایندی جهت حمایت از حقوق افراد در آیین‌های دادرسی در نظر گرفته شده است. یکی از معیارهای تضمین حقوق متهمین و رسیدن به یک دادرسی منصفانه و عادلانه دو درجه‌ای بودن رسیدگی به این اتهامات است تا وجدان عمومی به ایقان لازم جهت مشاهده مجازات برسد. مجازات هر چند آثار مثبتی دارد اما آثار زیانبار مجازات بر اشخاص بی‌گناه آثاری به مراتب زیانبارتر را در پی دارد. دو درجه‌ای بودن رسیدگی به احکام جزایی یکی از راه‌های پیشگیری از تحمیل مجازات به متهمان بی‌گناه می‌باشد. به طور کلی حتی در شرایطی که صلاحیت، استقلال و بی‌طرفی دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به یک محاکمه عادلانه نیز رعایت شده نمی‌توان ضرورت تجدید نظر در احکام را نفی نمود چرا که با توجه به احتمال اشتباه در اعمال انسانی، اشتباه قضایی یا قانونی در تصمیمات دادگاه که یک عمل انسانی است نیز، وجود دارد و همین امکان اشتباه، برای توجیه چنین ضرورتی کافی است لذا بدین ترتیب تجدید نظر و اعاده دادرسی به عنوان بخشی از فرایند دادرسی باید به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گیرد. این اصل به ویژه در دادگاه‌های بین‌المللی که از سویی مسئولیت رسیدگی به جرایم بسیار شدید تر از جرایم درون یک کشور را دارد و از سوی دیگر توجه ویژه و فوق‌العاده جامعه جهانی به تصمیمات این دادگاه‌ها معطوف است لذا باید از بالاترین تضمین‌ها محسوب و مورد حمایت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تجدید نظرخواهی، اعاده دادرسی، دادگاه کیفری بین‌المللی، اعتبار امر مختومه، منع تشدید مجازات

تجدید نظر و اعاده دادرسی از طریق اصلاح و بازنگری در نظام دادرسی بین‌الملل هستند (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۵۲). در واقع، قبل از شکوفائی نهضت حقوق بشر، حق مورد نظر، حقی اساسی محسوب نمی‌شد و دلیل آن هم عدم پیش بینی و قانون‌گذاری این حق در اولین دادگاه‌های کیفری تاسیس شده در عرصه بین‌الملل بوده است. به موجب این فرایند، در یک دادرسی عادلانه هر کس به ارتکاب جرمی محکوم گردیده است حق خواهد داشت نسبت به محکومیت او در یک دادگاه عالی‌تر مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد آقایی

۱. مقدمه

بازنگری از احکام قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که در اولین محاکم بین‌المللی یا اینکه، اصلاً وجود نداشت و یا اینکه خیلی ابتدایی بودند که بعدها به دلیل ضرورت حمایت بیشتر از حقوق افراد، در یک مفهوم کلی بازنگری مطرح و بعدها نیز به بخش‌هایی تقسیم شد. این بخش‌ها شامل

جنت مکان، ۱۳۸۶، ۳۹). حق تجدید نظر حقی است که موضوع محکومیت و جرم در دو سطح مورد بررسی قضایی قرار می‌گیرد. یکی دادگاه تالی و دیگری دادگاه عالی بدین ترتیب که دادگاه عالی جایگزین دادگاه تالی در رسیدگی می‌گردد. علیرغم وجود این اصل که بازنگری از آراء باید در دادگاه عالی مورد بررسی قرار گیرد، با این اوصاف مفهوم و هدف رسیدگی‌های پژوهشی در نظام‌های مختلف حقوقی متفاوت است.

در نظام ترافعی، پژوهش خواهی کاملاً محدود است. رسیدگی پژوهشی به معنای تجدید محاکمه نیست. دادگاه پژوهشی از قضاات مجرب، بدون هیئت منصفه تشکیل شده است. معمولاً قضاات پژوهش در خصوص مسائل حکمی رای می‌دهند. موضوعات را نمی‌توان مجدداً مورد بررسی قرار داد، مگر اینکه پژوهش خواه ادعا کند که موضوعات در رهنمودهای قاضی به هیئت منصفه به نحو فاحشی اشتباه ارائه شده است و منجر به عدم اجرای عدالت شده است... در عوض در نظام تفتیشی رسیدگی پژوهشی ممکن است متضمن نوعی محاکمه مجدد باشد، چنانچه همان ادله مجدداً مورد بررسی و استدلال‌های حقوقی مورد رسیدگی قرار گیرد. خلاصه اینکه رسیدگی پژوهشی به معنای استماع مجدد کامل پرونده است و بعلاوه دادستان و متهم به سادگی می‌توانند درخواست تجدیدنظر در حکم محکومیت یا مجازات را بنمایند و دادستان می‌تواند همچنین درخواست پژوهش در قبال حکم تیره را بنماید (کسسه، ۱۳۸۷: ۵۳۶). در دادرسی‌های کیفری در عرصه بین‌المللی چندین حق به عنوان حقوق متهم در یک فرایند دادرسی عادلانه پیش بینی و مد نظر قرار گرفته است (سلیمی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). قانونی بودن دادگاه، تساوی اشخاص در برابر قانون و محاکم، لزوم علنی بودن دادرسی، حضوری بودن دادرسی، استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرسان، رسیدگی در مهلت معقول، لزوم دو درجه‌ای بودن دادرسی.

موضوع بازنگری از احکام کیفری اعم از تجدید نظر و اعاده دادرسی چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌المللی از مؤلفه‌های یک دادرسی عادلانه می‌باشد. حقوقی که با رعایت آن‌ها هر چه بیشتر به عدالت نائل خواهیم شد. حق بازنگری از آراء، به همه اشخاص محکوم به جرم، با قطع نظر از شدت و خفت جرم و مجازات اعلام شده و حتی متضرر از

تصمیمات مقدماتی در مرحله بدوی تعلق دارد. اثری فوری این موضوع هم تعلیق اقدامات بعدی دادگاه تا پایان رسیدگی به اعتراض در مرحله پژوهشی می‌باشد (شبت، ۱۳۸۴: ۲۱۳). همان‌گونه که در حقوق ملی و داخلی یک کشور، سیستم قضائی با قوانین و مقررات ویژه جهت مقابله با جرائم ارتكابی وجود دارد در گستره نظام بین‌المللی نیز به لحاظ ارتكاب جرائم بین‌المللی یکسری مراجع و دادگاه‌ها با آئین دادرسی ویژه به وجود آمده و فعالیت می‌کنند. هر کدام از این آئین دادرسی باید متضمن یکسری قواعد در جهت تضمین حقوق افراد باشد که این امر در محاکم بین‌المللی ابتدائی نادیده گرفته شده است و در برخی دادگاه‌ها به صورت ابتدائی مورد توجه قرار گرفته بود (فضائی، ۱۳۸۷: ۱۹). از جمله این حقوق دفاعی تجدیدنظر و اعاده دادرسی از احکام دادگاه‌های بین‌المللی است که برای بهره‌وری بیشتر و بهتر و نیز سیر پیشرفت توجه به این حقوق دفاعی جهت ایصال به یک دادرسی عادلانه و منصفانه، نیازمند توجه، تدقیق و موشکافی آئین دادرسی دادگاه‌های بین‌المللی است؛ لذا پرداختن به موضوع می‌تواند آشنائی با فرآیند دادرسی دادگاه‌های بین‌المللی و به تبع یک مقایسه بین نظام داخلی با دادگاه‌های بین‌المللی باشد (گرینگساک، ۱۳۸۲: ۹۸).

بررسی روند دادرسی در دادگاه‌های بین‌المللی جهت حفظ - حقوق دفاعی و ایصال به یک دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه، آرائی که قابلیت بازنگری را دارند، سیر تکامل و پیشرفت اعتراض به آراء از تشکیل اولین دادگاه بین‌المللی تاکنون، و بالاخره، اینکه ببینیم در طی فرآیند دادرسی در بسیاری پرونده‌ها محکومین با استفاده از حق بازنگری، موجبات تخفیف و برائت خود را رقم زده‌اند. به طور مشخص فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

قوانین و مقررات مربوط به تجدید نظرخواهی و اعاده دادرسی در عرصه حقوق بین‌المللی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است. قوانین و مقررات مربوط به تجدید نظر خواهی و اعاده دادرسی در عرصه حقوق بین‌المللی منجر به یک دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه می‌شود. استفاده و استناد بسیاری از محکومین به قواعد مربوط به تجدید نظرخواهی و اعاده دادرسی موجبات تخفیف و حتی برائت آنان را رقم زده است. در این تحقیق و در طی مراحل بررسی حق تجدید نظرخواهی و اعاده دادرسی در صدد پاسخ و چرایی برخی سؤالات در این خصوص هستیم. برخی سؤالات مورد بررسی عبارتند از: مصادیق بازنگری از آراء دادگاه‌های بین‌المللی چه

(اسدی، ۱۳۸۸، ۲۵۴). پس می‌توان گفت اگر قاضی رسیدگی کننده مطابق با موازین آئین دادرسی رسیدگی ننموده، و یا به دلایل توجه نکند و یا حکم مبتنی بر اشتباهی باشد با ادعای محکوم مبنی بر وجود یکی از این موارد و یا موارد دیگری که می‌تواند مؤثر در دادرسی بوده، موضوع به دادگاه عالی‌تر ارجاع که بر اساس دلایل موجود و فقط در همان موضوع رسیدگی می‌نماید. به طور کلی، هدف از بررسی استینافی در قوانین کیفری بین‌الملل مانند قوانین ملی، جهت بررسی برای حصول اطمینان از قوام و عادلانه بودن احکام صادره شده از دادگاه‌هاست.

۲. ۱. مبانی منطقی بازنگری از آراء در دادگاه‌های

بین‌المللی

هدف اصلی در یک دادرسی پژوهشی و رسیدگی به درخواست تجدید نظر، ارزیابی فعالیت و تصمیمات شعبه بدوی، به منظور احراز اشتباهات احتمالی در امر موضوعی یا حکمی است. یکی از اهداف تجدیدنظر خواهی به طور کلی، بررسی فعالیت شعبه بدوی در خصوص موضوعاتی است که تأثیر عمده‌ای در رسیدگی بی‌طرفانه و ضروری در روند رسیدگی یا در نتیجه نهایی محاکمه دارد، می‌باشد. بنابراین، یک شخص در دادگاه‌ها دارای یک حق ذاتی و فطری برای برخورداری از حق بازنگری مجدد از آراء غیر قطعی دارد.

این حق در هر دادگاهی بر اساس تعدادی از شرایط برقرار می‌شود، اما از شرایط عمومی استفاده از این حق، این است که، اولاً، اعتراض به تصمیم بر اساس دلائلی باشد که به فرض صحت، تأثیر به‌سزایی در رفتار بی‌طرفانه و ضروری در روند دادرسی داشته باشد، و یا اینکه، شامل موضوعی باشد که بر نتیجه محاکمه تأثیر کاملی داشته باشد، و دوم اینکه، اعتراض بر اساس مفاد اساسنامه باعث پیشرفت روند رسیدگی گردد.

به هر حال دلائل تجدیدنظر خواهی باید به نحوی بیان و معلوم باشد که اعتراض موجه جلوه نموده و قضات رسیدگی کننده را برای توجه به آن قانع کند. مطابق با مقررات و آیین‌های دادرسی دادگاه‌ها، «پژوهش خواهی می‌تواند به دلیل خطای حکمی باشد که بی اعتبار کننده حکم یا مجازات است و یا خطای موضوعی که منجر به انحراف از عدالت می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۳). علاوه بر اشتباهات حکمی و یا موضوعی، «محکوم علیه همچنین می‌تواند به هر جهت دیگری که موازین انصاف یا ترتیب رسیدگی یا اخذ تصمیمات را به مخاطره افکنده باشد

می‌باشد؟ فرآیند و شیوه های تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی در نظام حقوق بین‌الملل به چه نحو است؟ تجدیدنظر و اعاده دادرسی در عرصه بین‌الملل دارای چه سابقه‌ای می‌باشد؟ چه کسانی حق بازنگری از احکام دادگاه‌های بین‌المللی را دارند؟ تجدیدنظر و اعاده دادرسی از طرق اصلاح و بازنگری در نظام دادرسی بین‌المللی هستند، که در این تحقیق در حد بضاعت نگارنده و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مشورتی سعی در تجزیه و تحلیل بازنگری از آراء قضائی بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوشتار به اختصاص به دو شکل عمده اصلاح آراء قضائی که در چارچوب حقوق کیفری بین‌الملل مقرر شده است، پرداخته می‌شود.

۲. اصول و مبانی بازنگری در آراء دادگاه‌های کیفری

بین‌المللی

امکان بروز اشتباه در هر گونه فعالیت بشری موضوعی اجتناب ناپذیر است با توجه به انسانی بودن فعالیت‌های قضایی این فرایند نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد از این لحاظ حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی امری ضروری به نظر می‌رسد بازنگری در تصمیم یک دادگاه توسط یک مرجع قضایی بالاتر به این منظور اندیشیده شده است لذا بر این اساس، ماده ۱۴۵ کنوانسیون حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس محکوم به جرمی شود حق خواهد داشت که محکومیت و مجازاتش در دادگاهی بالاتر مطابق قانون بازنگری شود». «با وجود این در گذشته در دادرسی‌های کیفری متهم حق در خواست پژوهش و بازنگری نداشته است» (فضائی، ۱۳۸۷، ۴۵۵).

هدف از حق پژوهش خواهی تأمین رسیدگی یک پرونده در دو سطح و درجه است بطوریکه رسیدگی دوم نزد یک دادگاه عالی‌تر واقع می‌شود و باید بازنگری حقیقی در عملکرد دادگاه بدوی باشد. فرایند استینافی به منظور جلوگیری از تضییع حقوق افراد است. حق درخواست تجدید نظر جهت تصحیح اشتباهات و خطاهای قانونی و یا هر زمینه دیگری که انصاف و عدالت و یا اطمینان از رسیدگی عادلانه را مورد تردید قرار می‌دهد، در نظر گرفته شده است. اکثریت قریب به اتفاق حقوق دانان حق تجدید نظرخواهی محکوم علیه را قبول و تأیید نموده‌اند و بر این اساس محکوم علیه حق خواهد داشت از رأی اصداری اولیه نزد مرجع دیگر با قضاتی متفاوت از قاضی صادر کننده رأی اولیه تقاضای رسیدگی مجدد کند

احکام را نفی نمود چرا که اشتباه قضایی یا قانونی دادگاه همیشه ممکن است و همین امکان اشتباه به تنهایی برای توجیه چنین ضرورتی کافی است.

رعایت مقررات مربوط به بازنگری مستلزم وجود دادگاه‌های خاص از یک سو و پیش‌بینی مهلت مناسب برای درخواست بازنگری از سوی دیگر است «نه تنها ضرورت یا مشروعیت تجدید نظر یا عدم تشکیل دادگاه‌های تجدید نظر یا عدم پیش‌بینی مدت زمان لازم برای درخواست تجدید نظر نقض حقی از حقوق اساسی بشر امروز محسوب می‌شود بلکه تعلل و تأخیر توأم با مسامحه در رسیدگی مجدد هم نقض چنین حقی خواهد بود (جاهد، ۱۳۸۹: ۱۰۷) و بلاگ حقوقی انصاف).

۳. دادگاه‌های بین‌المللی

دادگاه‌های تأسیس شده بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد را به صورت جداگانه تحلیل می‌کنیم:

۱. دادگاه نورنبرگ:

دادگاه نورنبرگ اولین دادگاه بین‌المللی جنایی بعد از جنگ جهانی دوم است. در طول جنگ جهانی دوم اعمال جنایت‌کارانه‌ای همچون تبعید توده‌های عظیم مردم، خشونت و شکنجه، نابودی افراد به دلایل غیر انسانی، پاک‌سازی قومی و نژادی و موارد دیگری بودند که خاطرات تلخی از خود بجای گذاشتند این اعمال باعث شد حس عدالت‌خواهی و انتقام‌جویی برانگیخته شده و در صدد تعقیب و مجازات جنایتکاران برآیند؛ لذا متفقین قصد خود را برای تعقیب جنایتکاران در اعلامیه‌های مختلفی آشکار کردند. «بر همین مبنا، ابتدا در ۲۰ اکتبر ۱۹۴۳ در شهر لندن، «کمیسون جنایت جنگی سازمان ملل متحد» تأسیس شد و تا پایان مارس ۱۹۴۸ به فعالیت خود ادامه داد (شریفی خضارتی، ۱۳۸۹). نهایتاً در ۸ می ۱۹۴۵ چهار کشور فاتح جنگ یعنی آمریکا، انگلیس، شوروی و فرانسه توافقنامه‌ای مبنی بر تشکیل یک دادگاه نظامی بین‌المللی کیفری را امضا نمودند که به دادگاه نورنبرگ معروف شد. این منشور پیوست موافقت‌نامه لندن شد که وظیفه انجام تحقیقات، جمع‌آوری مدارک شناسایی مجرمان و شهود و یا غیره را بر عهده داشت. در واقع باید گفت: «دادگاه نورنبرگ یک دادگاه اشغالی برای آلمان بود که بعد از جنگ جهانی دوم به وسیله چهار قدرتی که آلمان بدون قید و شرط تسلیم آن‌ها شده بود، ایجاد شد. منظور از دادگاه اشغالی دادگاهی بود که از سوی اشغال‌گران آلمان تشکیل شده بود (کیتی چپیساری،

درخواست تجدید نظر نماید. دادستان نیز به قائم مقامی محکوم علیه اجازه دارد به منظور تضمین صحت نحوه رسیدگی تجدید نظر بخواهد» (که، پیشین).

«حق متهمین برای تجدید نظر نسبت به حکم محکومیت یا مجازات معمولاً از حقوق اساسی بشر تلقی شده است. این حق، با چند استثناء بر مبنای مفهوم عادلانه بنا شده است. در حال حاضر این حق در معاهدات متعدد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و نیز در اساس‌نامه‌های محاکم بین‌المللی گنجانده شده است.» و به علاوه «احکام صادره می‌توانند هم توسط دادستان و هم توسط محکوم علیه به دلیل عدم تناسب جرم و مجازات، نسبت به میزان مجازات تعیین شده مورد تقاضای استیناف قرار گیرند. اگر در جریان استیناف علیه یک حکم دیوان ملاحظه نماید که دلایلی وجود دارد که حکم محکومیت را می‌تواند منتفی سازد، ممکن است نسبت به نقض آن مداخله نماید» (شیث، ۱۳۸۴: ۱۷۲). برای اشتباه موضوعی و تأثیر آن در مرحله بازنگری و پذیرش آن محدودیت قائل شده‌اند و این باور وجود دارد که بر اساس معیار «معقول بودن» مورد ارزیابی قرار گیرد. «به این معنی که رای بدوی در امور موضوعی تنها هنگامی قابل رد است که ثابت شود بر نوعی ارزیابی وقایع استوار بوده که هیچ انسان معقولی آن‌را تایید نمی‌کند (فضائلی، پیشین).

معیار معقول بودن علاوه بر اینکه ضابطه مشخصی ندارد اساساً قانع‌کننده نیز به نظر نمی‌رسد. زیرا «تأثیر خطا بر دادرسی متوقف بر غیر معقول بودن آن نیست، و شعبه تجدید نظر باید بتواند رای و تشخیص شعبه بدوی را هر جا ضرورت تأمین اجرای درست عدالت اقتضا دارد، اجرا کند، علاوه بر این منظور از معقول بودن را باید شرائطی دانست که، «یک هیئت منصفه خاص، آن را تحت شرائطی می‌پذیرد. اعضاء هیئت منصفه خودشان معیار معقول بودن را با توجه به آن شرائط تعیین می‌کنند این امر همان توان و لیاقتی است که به ما نسبت داده می‌شود یعنی چیزی که به عنوان یکی از ویژگی‌های سبک دادرسی ما تلقی می‌گردد. وظیفه آن‌ها در تصمیم‌گیری راجع به وقایع منجر به صدور رای و کار آزمودگی آن‌ها می‌شود (شبت، پیشین). به طور اعم باید گفت: تجدید نظر از احکام جزایی یکی از راه‌های پیشگیری از تحمیل مجازات به متهمان بی‌گناه و آثار زیانبار آن است حتی در شرایطی که استقلال، بی‌طرفی، صلاحیت دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به یک محاکمه منصفانه نیز رعایت شده نمی‌توان ضرورت تجدید نظر از

کننده منصوب نمود. آئین دادرسی دادگاه بر مبنای منشور توکیو قرار داشت (سلیمی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۱). دادگاه توکیو همچون دادگاه نورنبرگ فقط راجع به مجرمان اصلی جنگی بود این دادگاه در سوم می ۱۹۴۶ در توکیو آغاز به کار کرد و در چهارم نوامبر ۱۹۴۸ رأی خود را صادر کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶). صلاحیت دادگاه توکیو به جرائم علیه صلح، قتل و جرائم علیه بشریت بود.

اما در مورد مسئله تجدیدنظر خواهی باید گفت: منشور این دادگاه نیز «در اصل، منشور محتوی اساسنامه دیوان نظامی بین‌المللی را تکرار کرد، آئین دادرسی بسیار مشابه چیزی بود که در نورنبرگ وضع شده بود ظاهراً نتیجه اعمال نظام ترافی در توکیو برای متهمین بسیار غیر منصفانه بود، زیرا همه اسناد و مطالبی که احتمالاً به عنوان ادله نزد دادگاه استفاده می‌شد در دسترس دادستان بود، و وکیل متهم مجاز به بازبینی پرونده داستان نبود. منصفانه نبودن آئین دادرسی با برخورد مستبدانه رئیس در هم آمیخت، قاضی استرالیایی، قاضی وب، که علاوه بر برخورد تحقیرآمیز با بعضی شهود، به قضات دیگر اجازه نمی‌داد که مستقیم از شهود سؤال کنند. برخی قضات در خصوص نوع محاکمه ابراز نگرانی خود را اعلام نمودند. قاضی هندی، پال، در نظر طولانی مخالف خود، از ناهماهنگی در تصمیمات اکثریت در مورد آئین دادرسی انتقاد نمود. قاضی فرانسوی، برنارد، در نظر مخالف خود، به آئین دادرسی دیوان حمله کرد و استدلال نمود که ضامن حقوق متهمان نیست (کسسه، ۱۳۸۷، ص ۴۷۴)

این‌گونه اقدامات ناقض حقوق دفاعی متهمین و خلاف موازین دادرسی عادلانه باعث شد که متهمین از تنها راه محدود بازنگری در آراء استفاده کنند. در این خصوص باید گفت: تجدید نظرخواهی در دادگاه توکیو نیز وجود نداشته است علیرغم اینکه «منشور توکیو تجدید نظر از رأی محکومیت و مجازات را از سوی فرماندهی متفقین در ژاپن پیش‌بینی کرده بود (ماده ۱۷ منشور نورنبرگ) در نتیجه کلیه متهمان از فرماندهی عالی، ژنرال مک آرتور، درخواست تجدید نظر خواهی کردند درخواست‌های مزبور باعث شد مسائل متعددی در خصوص اجراء، تفسیر، قوانین آئین دادرسی و همچنین تناسب مجازات‌های تعیین شده از سوی دیوان مطرح شود. ژنرال مک آرتور، پیرو مشورت‌های دیپلماتیک، تصمیم گرفت احکام و مجازات‌های تعیین شده از سوی دیوان توکیو را تأیید کند. در نتیجه مسائل حقوقی

۱۳۸۲، ۳۷). دادگاه نورنبرگ منشور خود را محصول اعمال توده قانون‌گذاری حاکم به وسیله کشورهایی که رایش سوم بدون قید و شرط تسلیم آن‌ها شده بود، دانست و تصریح کرد: «حق غیر قابل تردید این کشورها در قانون‌گذاری برای سرزمین‌های اشغالی، به وسیله جهان متمدن به رسمیت شناخته شده است (همان)

صلاحیت دادگاه نورنبرگ به سه حوزه محدود بود: ۱- جنایات علیه صلح ۲- جنایات جنگی ۳- جنایات علیه بشریت و عاقبت این دادگاه علیه ۲۴ افسر نظامی کیفرخواست صادر نمود و آخرین جلسه آن نیز در ۳۱ اوت ۱۹۴۵ تشکیل شد و در ۱ اکتبر ۱۹۴۶ رأی دادگاه صادر شد. اما در مورد وضعیت تجدید نظرخواهی در این دادگاه باید گفت: برای دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ نظام حقوقی ترافی برگزیده شد، چرا که در آن اختیار جمع‌آوری ادله و گزینش اتهامات برای دادستان‌ها، و اختیار استماع ادله برای دادگاه پیش‌بینی شده است. هیچ قاضی تحقیقی پیش‌بینی نشده، و ماده ای برای دریافت مستقیم مدارک توسط دادگاه از دادستان نیز مقرر نشده است و بر همین اساس است که منشور دادگاه نورنبرگ، حق تجدیدنظر خواهی نزدیک هیئت عالی را به رسمیت نشناخته بود و این دادگاه به گونه ای طراحی شده بود که خود محکمه عالی به حساب آید و تصمیمات آن جنبه نهایی داشته باشد و شاید یکی از دلایل مؤسسی این دادگاه این بود که تجدیدنظر خواهی، رسیدگی قضائی را طولانی و پر هزینه می‌نماید، پس دادگاه نورنبرگ قابلیت قضاوت و داوری با معیارهای معاصر را ندارد ولی برای زمان خود یک دادگاه فوق‌العاده بوده است. بر دادگاه نورنبرگ چهار ایراد و انتقاد گرفته شده است و مهم‌ترین انتقاد وارده بر آن فقدان یک دادگاه استینافی بوده است و این باعث تضعیف جدی چهره حقوق دفاعی متهم شده است. به طور کلی، منشور نورنبرگ حق تجدیدنظر را پیش‌بینی نکرده بود ماده ۲۶ منشور صریحاً مقرر می‌دانست که رأی دیوان قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است.

۱- دادگاه توکیو

به دنبال تشکیل دادگاه نورنبرگ، متفقین پیروز، برای خاور دور دادگاهی موسوم به دادگاه توکیو را تشکیل دادند منشور این دادگاه نیز همانند دادگاه نورنبرگ بر اساس توافقنامه لندن بود. این دادگاه به وسیله فرماندهی عالی ایالات متحده آمریکا، ژنرال مک آرتور تشکیل شد. وی ۱۱ قاضی این دادگاه را از بین نامزدهای پیشنهادی از سوی دول امضا

پنج نفر از آنان جلسه رسیدگی به تجدید نظر رسمیت می-یابد.^۱

در دیوان کیفری ویژه یوگسلاوی سابق نیز در ابتدا نظام ترافیعی، شبیه آنچه که در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، بود را مورد تصویب قرار داد. اما بعدها اساسنامه آن جهت تصحیح راه را گشود و در کنار برخی اصلاحات، مقرر شد که در صورت رسیدگی پژوهشی، ادله دیگری می‌تواند توسط پژوهش خواه تسلیم شود، که این اصلاحات صورت گرفته در نظام ترافیعی یکسری اصلاحات برگرفته از نظام تفتیشی بود. بنابراین، حق تجدید نظرخواهی در اساسنامه دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق پیش‌بینی گردیده است هر چند در اساسنامه به اعتراض نسبت به مجازات به صراحت اشاره گردیده است ولی باید گفت حق متهم نسبت به کلیه آراء خواهد بود. چنانچه «قضات هنگام اصلاح مقررات در پنجمین جلسه عمومی (۳ فوریه ۱۹۹۵) حق درخواست تجدید نظر از تصمیمات را نیز اضافه کردند (زاپالا، ۲۰۳). دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی سابق دارای سه شعبه متشکل از قضات و مشاوره و یک شعبه تجدید نظر که رئیس دادگاه رئیس شعبه تجدید نظر هم می‌باشد. درخواست تجدید نظر در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق پیش‌بینی شده بود، «دادگاه تجدید نظر درخواست محکومان شعبه بدوی یا دادستان را به دلایل زیر بررسی خواهد کرد: الف) به دلیل اشتباه حکمی که رأی را از اعتبار می‌اندازد.

ب) به دلیل اشتباه موضوعی که منجر به اشتباه قضایی می‌شود (همان) و در بند دیگری به شعبه تجدید نظر اختیار داده است رأی شعبه بدوی را تأیید یا اصلاح کند. وجود نمونه‌هایی از اعتراض محکومان و یا حتی دادستان نسبت به آراء صادره نشان دهنده دو درجه‌ای بودن رسیدگی در دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی است. در دادگاه ویژه برای رسیدگی یوگسلاوی سابق، ماده ۷۲ و ۱۰۸ قواعد دادرسی و ادله نیز به تجدید نظر خواهی اشاره دارد ماده ۷۲ به نوعی از تجدید نظرخواهی اعدادی اشاره دارد که صلاحیت دادگاه را به چالش می‌کشاند. در دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها، پرونده میلسوویچ بود.

که از سوی تجدید نظر خواهان مطرح شده بود حل نشده باقی ماند (زاپالا، ۱۳۸۷، ص ۱۹۷).

با این اوصاف باید گفت: «حق تجدید نظرخواهی برای متهمان دادگاه بین‌المللی توکیو، همچون دادگاه نورنبرگ پیش‌بینی شده بود هر چند به نظر می‌رسد که باید سرچشمه و منشأ تفکر و ایده حق تجدید نظرخواهی در دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل شده بعد از توکیو را منشور توکیو دانست چرا که برای اولین بار است که حق تجدید نظرخواهی برای متهم در این دادگاه در نظر گرفته شده است هر چند نتیجه-ای در بر نداشته است. ماده ۱۷ منشور توکیو مقرر داشته که در اسناد محاکمه مستقیماً به فرماندهی عالی نیروهای متفق تحویل داده می‌شود تا نسبت به آن اقدام کند. مجازات بر اساس دستور فرماندهی عالی نیروهای متفق اجرا می‌شود که ممکن است هر زمان میزان مجازات را تخفیف یا آنرا تغییر دهد، نمی‌تواند آنرا افزایش دهد. این ماده فرماندهی عالی اجازه می‌دهد، عضو یا تخفیف مجازات دهد (همان)

۲. دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY)
به دنبال نقض‌های گسترده حقوق بشر دوستانه در یوگسلاوی سابق و رواندا، شورای امنیت بر اساس قطعنامه ۸۲۷ و ۸۰۸، در مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳ به منظور تعقیب و مجازات جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی در یوگسلاوی سابق از آغاز ۱۹۹۱ دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق را تأسیس نمود. بعد از محاکمات نورنبرگ و توکیو این نخستین بار بود که یک دیوان بین‌المللی برای محاکمه متهمان به نقض حقوق بین‌الملل تشکیل شده بود. این دادگاه با آغاز درگیری‌ها در سرزمین یوگسلاوی سابق و تعرضاتی به اصول حقوق بین‌المللی صورت گرفت. به موجب اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، این دیوان یک مرجع بین‌المللی کیفری اختصاصی است که صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی را دارد. هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ دادگاه کیفری ویژه یوگسلاوی سابق را تشکیل داد شعبه‌ای را برای پذیرش تجدید نظرخواهی از احکام دادگاه تأسیس کرد. ماده ۱۱ اساسنامه ICTY شعبه تجدید نظر ایجاد کرد و ماده ۱۲ تصریح می‌کند: هفت تن از قضات دائمی در خدمت شعبه تجدید نظر می‌باشند که با حضور

¹ - Lannam, krissa , Elusive Abominations Standards. Of appellate review the ad hoc Interational criminal tribunal, [http:// digital commons. Law . yole. Edu / cgi / view content](http://digitalcommons.Law.yale.edu/cgi/viewcontent)

عمل می‌کنند یعنی جنایت‌ها توسط اعضای واحد نظامی یا اداری و یا طرح مشترک صورت می‌پذیرد، سوم: شرکاء در ارتکاب جرم شرکت می‌کنند و حتی اگر یکی از اعضا از طرح مشترک و قصد مشترک فراتر رود باز هم به عنوان روال طبیعی آن تلقی می‌گردد» مسئول جرائمی هستند که هدف آن‌ها تمرکز کنترل ارتش آزادی‌بخش کوزوو از طریق جابجایی غیر قانونی و بد رفتاری با غیرنظامیان در منطقه Dukagjin می‌باشد در سوم آوریل ۲۰۰۸ دادگاه رسیدگی کننده با این استدلال که دلایل کافی در خصوص اثبات اقدام مشترک جنایی از مسئولیت در ارتباط با جرائم علیه بشریت و نقض‌های قوانین و هدف‌های جنگ وجود نداشته هر سه متهم را میرا دانست.

به دنبال آن دادستان نسبت به رای صادره اعتراض و اعتقاد به وجود اشتباهات متعدد از سوی شعبه رسیدگی کننده داشت. دادستان اعتقاد داشت «اولاً اینکه از دادن فرصت اضافی به درخواست دادستان جهت اتمام همه مراحل معقول برای تضمین شهادت دو شاهد تعیین کننده امتناع نمود و قرار اتمام مراحل مزبور را صادر نمود (همان) و بر مبنای همین اعتراض پرونده در نزد شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) مطرح گردید. از موارد تخفیف مجازات به موجب تجدید نظرخواهی پرونده بلاسکیچ است. «در دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی سابق به موجب تجدید نظر خواهی انجام شده، «در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴ شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، ۱۶ اتهام از ۱۹ اتهام وارده توسط شعبه دادگاه به افسر نظامی بلاسکیچ وارد کرد و محکومیت وی را از ۴۵ سال به ۹ سال تخفیف داد و محکومیت کرسیتیچ از ۴۵ سال به ۳۶ سال تخفیف داد»^۳.

۴- دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR)

در پی کشته شدن رئیس جمهور رواندا دو قبیله «هوتو» و «توتسی» در سال ۱۹۹۴ در این کشور با یکدیگر درگیری - خونینی را ایجاد و در طی چهار سال صدها هزار نفر کشته شدند. شورای امنیت در قطعنامه ۹۱۸ و ۹۲۵ از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهد تا در مورد نقض شدید حقوق بشر در آن کشور تحقیقی انجام دهد. این شورا پس از دریافت گزارش دبیر کل و نیز گزارش‌های منجر ویژه کمیسیون

«میلوسویچ فرمانده نظامی از ارتش صرب بوسنی که در طول سه سال محاصره ساریوو فرماندهی را بر عهده داشت. دادستان در کیفرخواست صادره تقاضای محکومیت او به حبس ابد را داشت در رسیدگی دادگاه او به جرایم جنایت علیه بشریت، نقض قوانین جنگی با پنج فقره قتل و ترور و عاقبت به دنبال تجدید نظرخواهی محکومیت او به ۳۳ سال حبس و سپس با تخفیف و تبدیل مجازات، او به ۲۹ سال حبس محکوم گردید. یکی دیگر از نمونه‌های اعتراض محکوم علیه رأی صادره پرونده مربوط به متهم سلیبیچی بوده است. شعبه بدوی به این استناد که: «رویه قضایی از زمان بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، وجود فرماندهان مبنی بر اینکه باید خود را در مورد فعالیت زیردستان مطلع نگه دارند تایید می‌کند. در واقع از مطالعه این تصمیمات این اصل حاصل می‌شود که فقدان علم، دفاع محسوب نمی‌شود، چنانچه، همان‌گونه که دادگاه توکیو اعلام داشته است، مقام مافوق در کوتاهی برای چنین عملی مقصر بوده است او را محکوم کرد. (آقای جنت مکان، ۱۳۸۶: ۹۶) به دنبال آن محکوم علیه، سلیبیچی به رای صادره اعتراض و بر همین مبنای رسیدگی مجدد به شعبه تجدید نظر واگذار می‌گردد. شعبه تجدید نظر با این استدلال که «... بنابراین، حقوق عرفی در یک متن (قانون) کیفری یک وظیفه کلی داشتن را بر فرماندهان یا افراد فوق تحمل نمی‌کنند بر این اساس اعتراض متهم مؤثر واقع شده و او از این حیث تبرئه می‌گردید. (همان)

نمونه‌ای هم از وجود حق اعتراض برای دادستان در دادگاه یوگسلاوی بدین ترتیب است که: در پرونده مربوط به سه تن از متهمان بنام‌های راموش هرادیتاژ، فرمانده سابق ارتش آزادی‌بخش کوزوو، ایدریچ بلاژ عضو سابق ارتش آزادی‌بخش کوزوو، و بلاک ایگلکس، جانشین فرماندهی ستاد عملیات ارتش آزادی بخش کوزوو بوده در کیفرخواست صادره از سوی دادستان، اتهام آنان اقدام به آزار و ربودن غیر نظامیانی بود که در سال ۱۹۹۸ به همراه نیروهای صرب مرتکب شده بودند و و آن‌ها «به واسطه اقدام مشترک جنایی» اشتراک جنایی دارای سه مرحله است اول: شرکت کنندگان بر اساس طرح مشترک، یا سرمایه‌گذاری مشترک و با عمل مشترک قصد انجام جرم را می‌کنند. دوم: به صورت سیستماتیک

² - About The ICTY the case / Legal library Pres outreach , www. Icty. Org / x/ cases / dragomir ° Milosevic/ acjub / en/ 91112-summary-en.pdf

³ - ICTY appeal chamber Delivers two major judgments : BLaskic andkr stic, cose No. IT-95- 14-A

مقرر می‌دارد: «شعبه استیناف، تقاضای مربوط به افراد متهم را از طریق شعب محاکمه یا از طریق دادستان در صورت وجود موارد زیر می‌پذیرد: الف) اشتباه در تحقیقات که مبطل رای باشد. ب) اشتباه در بیان حقیقت که موجب از هم گسیختگی عدالت و انصاف باشد.» و در بند دوم تصریح می‌کند که «شعبه تجدید نظر ممکن است تصمیم دادگاه بدوی را تأیید، نقض و یا اصلاح کند»

نمونه‌ای از موارد تجدید نظرخواهی در رواندا مربوط به پرونده «زیگیر انیارزو» بود «وی به اتهام ارتکاب جنایت کشی و جنایت علیه بشریت و مشارکت در سرمایه‌گذاری جنایی تحت تعقیب و به ۲۰ سال زندان محکوم گردید اما با اعتراض او دادگاه تجدید نظر اعتراض او را وارد تشخیص داده و حکم تبرئه او را صادر کرد و سپس نیز دستور آزادی وی صادر شد» هر چند وی بعدها به دلیل کشف دلایل جدید تحت تعقیب قرار گرفت. در پرونده کامبادا، نامبرده در کیفر خواست صادره به ۶ فقره جنایت محکوم می‌شود. اتهامات وی نسل‌کشی، توطئه برای نسل‌کشی، تحریک مستقیم و عمومی برای ارتکاب نسل‌کشی، قتل و جنایت علیه بشریت بودند. وی بر اساس اتهامات به حبس ابد محکوم شد. محکوم علیه در هشت مورد درخواست تجدید نظر کرد^۴ به طور خلاصه باید گفت «شعبه تجدید نظر این دادگاه برای تعقیب اشخاص مسئول برای ارتکاب در ژنوساید و دیگر جرایم خطرناک علیه حقوق بشر دوستانه در منطقه رواندا و شهروندان رواندایی مسئول در نسل‌کشی و دیگر موارد نقض جدی حقوق بشر دوستانه در سرزمین‌های مجاور از تاریخ اول ژانویه تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۴ می‌باشد^۵ نمونه‌ای از تجدید نظرخواهی از سوی دادستان نیز در پرونده^۶ مطرح شد که، نامبرده در کیفر خواست صادره از سوی دادستان به هفت مورد از جرایم متهم گردید ولی در رسیدگی دادگاه نامبرده تبرئه گردید و با اعتراض دادستان پرونده به شعبه تجدید نظر ارجاع گردید

۵- دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی که صلاحیت رسیدگی به جرایم مهم بین‌المللی را داشته باشد از دیر باز آرزوی جامعه بین‌المللی بود. ایده تأسیس یک دادگاه جزایی بین‌المللی بیش از یک قرن است که وجود دارد اولین

حقوق بشر، قطعنامه ۹۵۵ را در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ تصویب می‌کند.

شورای امنیت در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی از نقض شدید، عمومی و سیستماتیک حقوق بین‌المللی بشر دوستانه و کشتار جمعی در رواندا، اعلام می‌دارد: «وضعیت حاکم بر این کشور تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. شورای امنیت با عزم راسخ خود در خاتمه دادن به چنین جنایتی، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه متهمین به این جنایات را پذیرفته و پیش‌نویس اساسنامه این دادگاه را منضم به قطعنامه ۹۵۵ است را تصویب می‌کند (داوید، مجله حقوقی شماره ۱۸ و ۱۱)

«هدف این محاکمه کیفری اختصاصی، تعقیب و مجازات مرتکبین به نسل‌کشی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در رواندا و کشورهای همسایه بود اساسنامه محکمه در ۳۲ ماده به عنوان ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ به تصویب شورای امنیت رسیده شورا متعاقباً با صدور قطعنامه ۹۷۷ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۵ مقرر دادگاه را شهر آروشا در جمهوری تانزانیا تعیین نمود» صلاحیت دادگاه رواندا شامل جرایم ژنوساید، جنایت علیه بشریت و تجاوز می‌باشد.

در اساسنامه رواندا هم در کنار حقوقی چون برخورداری از وکیل، تساوی در برابر دادگاه و غیره حق تجدید نظرخواهی نیز پیش‌بینی و لحاظ گردیده است. در سال ۱۹۹۴ شورای امنیت دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه رواندا را با شرایط دادگاه یوگسلاوی ایجاد کرد. اساسنامه این دادگاه نیز مانند اساسنامه دادگاه ویژه برای یوگسلاوی سابق، در رسیدگی خود، نظامی مختلط از سیستم ترافی و تفتیشی را برگزید. در مجموع، به مرور زمان خصوصیات مهم نظام تفتیشی از جمله حق پژوهش‌خواهی متهم وارد نظام دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا گردید، این در حالی بود که در ابتدا این دادرسی‌ها بر پایه نظام ترافی بودند. قضات دادگاه تجدید نظر یوگسلاوی سابق همان قضاتی هستند که در دادگاه تجدید نظر رواندا نیز انجام وظیفه می‌کنند «در اصل همان قضات، همان استانداردهای حقوقی را بکار برده و بر اساس همان مفاد قانونی رسیدگی و قضاوت نهایی و اعدادی خود را انجام می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۳۵ تا ۶۶).

ماده ۲۴ اساسنامه تحت عنوان مقررات استیناف (نحوه تجدید نظرخواهی) مطرح شده است این ماده در بند اول

⁴ - Appeal chamber, judgment on kambada Case No ICTR97-23-A

⁵-Appeal Chamber, The Prosecutor V.BAGILISHMA, Case No ICTR-95-1A-A.WWW.ICTR.org

⁶- Prosecutor VBAGIISHIMA

حکم براءت، به دلیل اشتباه شکلی، اشتباه موضوعی یا اشتباه حکمی تقاضای استیناف کند»^۱ و از آنجا که محکوم علیه نیز حق اعتراض دارد بر اساس مفاد اساسنامه باید گفت: «محکوم علیه نیز می‌تواند از یک حکم محکومیت با دلیل اشتباه شکلی، اشتباه موضوعی و یا اشتباه حکمی و هر دلیل دیگری که در منصفانه بودن و یا اعتبار مراحل رسیدگی و یا تصمیم متخذه مؤثر باشد تقاضای استیناف نیز می‌تواند از جانب محکوم علیه نسبت به حکم تقاضای استیناف کند (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). قابل ذکر است که بخش قضایی دیوان از سه بخش تشکیل شده است: ۱- بخش فرجام^۲ - ۲- بخش دادرسی و محاکمه^۳ و ۳- بخش پیش از دادرسی^۴ از وضعیت‌های ارجاع شده به دیوان کیفری بین‌المللی، وضعیت «دارفور» سودان می‌باشد.

دارفور نام منطقه‌ای در غرب سودان است که از سال ۲۰۰۳ کانون درگیری و وقایع تلخی بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۳ گروهی از آفریقایی تباران به منظور کسب خود مختاری دست به شورش مسلحانه زدند و متقابلاً گروه‌های شبه نظامی عرب‌تبار برای مقابله با آنان تشکیل شدند. بنا بر گزارشی که به دستور شورای امنیت سازمان ملل در ماه اکتبر سال ۲۰۰۴ صادر شد سودان در این زمینه متهم به آزار شبه نظامیان دارفور شد. در جریان بحران دارفور افراد بی‌شماری کشته و آواره شدند شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۱ مارس سال ۲۰۰۵ با یازده رأی موافق و چهار رأی ممتنع تصمیم گرفت تا مظنونان جنایات جنگی در دارفور را به دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه ارجاع دهد «قطعنامه ۱۵۹۳ شدیدترین اقدام شورای امنیت پیرامون بحران دارفور بود. در این قطعنامه مقرر کرده بودند ۵۱ تن از افراد مظنون به ارتکاب جنایات جنگی در ایالت دارفور در دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه ارجاع گردد. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه در روز دوشنبه ۱۴ جولای ۲۰۰۸ میلادی بر اساس ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، با صدور بیانیه‌ای عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان را به نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی در دارفور متهم ساخت و از قضات دادگاه خواست تا رئیس‌جمهور سودان را به خاطر این اتهامات تحت پیگرد قانونی

پیشنهاد تأسیس چنین دادگاهی به پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) باز می‌گردد. بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) که دنیا شاهد شنیع‌ترین و نفرت‌انگیزترین اعمال ضد بشری بود دگر بار فکر تأسیس چنین نهادی قوت گرفت.

گرچه هر دو دیوان ویژه یوگسلاوی و رواندا، از نظر زمانی و مکانی محدود بودند یعنی هم موقت بودند و هم منحصر به منازعات یوگسلاوی و رواندا، در مجموع موفقیت آن‌ها محرکی بود برای ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، نهادی با دامنه صلاحیت جهانی که بدین ترتیب بتواند پاسخگوی تخلفاتی که در هر جای دنیا واقع می‌شوند، باشد. سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد توانست در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ اساسنامه این دادگاه دائمی بین‌المللی را به تصویب اکثریت اعضا برساند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قبل از هر چیز یک معاهده چند جانبه بین‌المللی است بدین معنا که شماری از دولت‌ها با یکدیگر توافق می‌کنند که دادگاه بین‌المللی مطابق با صلاحیت‌ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل گردد و مرتکبین جرائمی را که در اساسنامه آمده است به مجازات برسانند. به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان «صلاحیت دیوان منحصر به خطیرترین جرایم مورد اهتمام مجموعه جامعه بین‌المللی است. دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرایم زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

(الف- جنایت نسل‌کشی، ب- جنایت ضد بشریت، ج- جنایت جنگی، د) جنایت تجاوز».

در هنگام تأسیس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، تهیه- کنندگان پیش‌نویس تحولات صورت گرفته در دادگاه‌های ویژه بری یوگسلاوی و رواندا را مورد توجه قرار دادند. به علاوه آن‌ها عناصر دیگری از نظام تفتیشی را اضافه نمودند.

بر همین اساس، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) (را می‌توان آخرین تبلور حق تجدید نظرخواهی در عرصه بین‌الملل دانست. در این اساسنامه به صراحت این حق مورد پذیرش قرار گرفته است اساسنامه در فصل هشتم خود تحت عنوان تجدید نظر و اعاده دادرسی، ماده ۸۱ را اختصاص به تجدید نظر از رای مربوط به براءت، محکومیت یا مجازات تخصیص داده است و ماده ۸۲ را به سایر تصمیمات صادره از سوی دادگاه اختصاص داده است به طور خلاصه این مواد مبین این است که «احکام شعب بدوی دیوان کیفری بین‌المللی قابل استیناف می‌باشند دادستان می‌تواند از یک

⁷ - Appeal Division

⁸ - Trial Division

⁹ - Pre- trial division

رای محکومیت یا قرار پرداخت غرامت به شخص درخواست کننده تجدید نظر صورت گیرد.»

۵. مقررات حاکم بر اعاده دادرسی

درخواست اعاده دادرسی کتبی بوده و بر اساس یکی از جهات مقرر در پاراگراف (۱) ماده ۸۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی خواهد بود.

ماده ۸۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «۱- محکوم علیه یا... می‌توانند به جهات زیر از شعبه تجدید نظر نسبت به رای قطعی ناظر به محکومیت و یا مجازات محکوم علیه تقاضای اعاده دادرسی نمایند.

(الف) ادله جدیدی کشف شده که: (۱) در زمان محاکمه در دسترس نبوده، و این عدم دسترسی کلاً یا جزئاً مثبت به متقاضی اعاده دادرسی نباشد؛ و (۲) آن چنان مهم باشد که اگر در جریان محاکمه ارائه و تأیید می‌گردید احتمالاً منجر به صدور رای دیگری می‌شود.

(ب) اخیراً کشف شده که ادله اساسی رای که در موقع محاکمه مدنظر قرار گرفته و محکومیت شخص مبتنی بر آن بوده غیر واقعی، جعلی و یا مزورانه بوده است.

(ج) یک یا چند قاضی شرکت کننده در صدور رای محکومیت و یا تأیید اتهامات (در آن پرونده) مرتکب سوء رفتار شدید یا تخطی شدید از وظایف با چنان اهمیتی شده‌اند که عزل آن قاضی یا قضات بر اساس ماده ۴۶ قابل توصیه است»

نکته حائز اهمیت در خصوص اعاده دادرسی در مورد محکومیت یا مجازات لزوم تصمیم گیری شعبه تجدید نظر در خصوص صحت یا عدم صحت اعاده دادرسی است کما اینکه پاراگراف ۲ ماده ۱۵۹ آئین دادرسی و ادله تصریح می‌کند که: «۲- تصمیم گیری در خصوص اینکه درخواست اعاده دادرسی صحیح است یا خیر، به وسیله اکثریت قضات شعبه تجدید نظر اتخاذ و به صورت کتبی و مستند به دلایل خواهد بود.»

نکته قابل ذکر در خصوص تعداد قضات شعبه تجدید نظر این است که مستفاد از ماده ۳۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بخش تجدید نظر از یک رئیس و چهار قاضی تشکیل می‌شود که شعبه تجدید نظر با اکثریت اعضاء رسمیت یافته، و نظر اکثریت اعضاء حاضر هم ملاک تصمیم گیری می‌باشد. در صورت تساوی، آن رای که مطابق نظر رئیس شعبه با جانشین او می‌باشد، معتبر و تصمیم نهایی

قرار داده و حکم بازداشت وی را صادر کند. سرانجام در ۴ مارس ۲۰۰۹ دیوان کیفری بین‌المللی حکم توقیف علیه ژنرال عمر البشیر را صادر کرد.

۴. آراء قابل تجدید نظر خواهی

بر طبق قواعد دادرسی هر گاه کسی به اتهام ارتکاب جرم یا جنایتی، محکوم شود، حق دارد که در خواست بازنگری و تجدید نظر خواهی نماید با این اطمینان که پرونده در دو سطح و درجه مورد بررسی قضایی قرار خواهد گرفت که مرجع رسیدگی دوم بالاتر و عالی‌تر از مرجع اولیه می‌باشد حق تجدید نظر به ویژه در عطف بماسبق مجازات سبک‌تر نیز در جایی که آثار مجازات اعمال شده غیر قابل برگشت است مانند مجازات اعدام، نمود بیشتر و واقعی خود را پیدا می‌کند. در این میان تجدید نظر بدین معنی است که رسیدگی به تجدید نظر تنها به بررسی دقیق امر قضاوت شده در مرحله اول می‌باشد.

«اساسنامه دادگاه‌های ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا حق تجدید نظر خواهی از احکام و مجازات‌ها را پیش بینی کرده‌اند ولی قضات این محاکم به هنگام تدوین و نیز اصلاح قواعد دادرسی و ادله اثبات بر دامنه تصمیمات قابل پژوهش دادگاه افزودند بر این اساس در نظام دادرسی این دو دادگاه ویژه علاوه بر محکومیت و مجازات، پژوهش خواهی از قرارها و همچنین پژوهش خواهی مقدماتی پذیرفته است» (فضائی، ۱۳۸۷، ۴۵۸). در دادگاه کیفری بین‌المللی، در قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، تجدید نظر خواهی در قبال یک تصمیم مقدماتی (اعدادی)، حکم و یا مجازات پذیرفته شده است. علاوه بر این، در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، برای طرح اعتراض در دادگاه یکسری شرایط عمومی در نظر گرفته شده است که قبل از پرداختن به شناسائی آراء قابل اعتراض، شناسائی این قواعد عمومی لازم می‌باشد.

با توجه به اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی، پس از اینکه در ماده ۱۴۹ خود قواعد حاکم بر دادرسی و تسلیم مدارک در شعبات مقدماتی و بدوی با تغییرات لازم در مورد دادرسی‌های شعب تجدید نظر نیز قابل اعمال می‌داند و در ماده ۱۵۰ خود و در بند ۱، مقرر می‌دارد: «درخواست تجدید نظر علیه حکم محکومیت یا برائت (بر اساس ماده ۷۴ اساسنامه)، حکم به مجازات (بر اساس ماده ۷۶ اساسنامه) یا قرار پرداخت غرامت (بر اساس ماده ۱۷۵ اساسنامه) می‌تواند حداکثر ظرف سی روز پس از تاریخ ابلاغ

متفاوتی منجر شود بر خلاف اصول اساسی عدالت خواهد بود. بدیهی است در اعاده دادرسی آنچه که جدیدالکشف است و در زمان محاکمه معلوم نبود یک واقعیت است و نه دلیل واقعیتی که زمان محاکمه معلوم بود (زاپالا، ۱۳۸۷)

۵.۱.۱. حق اعاده دادرسی در دیوان‌های موقت

اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به طور اجمال به این حق اشاره داشته است، این موضوع در ماده ۲۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی سابق و ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا تصریح شده است و «چنانچه یک حقیقت جدیدی کشف شود که در زمان رسیدگی در شعبه بدوی یا تجدید نظر معلوم نبوده است و تأثیر قطعی در اتخاذ تصمیم داشته باشد محکوم علیه یا دادستان می‌تواند از دیوان، درخواست اعاده دادرسی از حکم را بنماید.»

در پرونده تادیچ شعبه تجدید نظر بر اساس ماده ۲۶ اساسنامه در روند بررسی و رسیدگی به اعتراض متهم می‌آورد که: «در اینجا حقیقتی جدید کشف شده است که در زمان رسیدگی بدوی و طرح در شعبه تجدید نظر شناخته نشده بود و در صورت شناسایی می‌توانست عامل تعیین کننده‌ای در رسیدن به تصمیم درست باشد»^{۱۲} پس بر این اساس هم متهم و هم دادستان در دادگاه‌های موقت حق درخواست اعاده دادرسی از حکم را دارند و این فرقی نمی‌کند رای مورد درخواست اعاده دادرسی از دادگاه بدوی صادر شده باشد یا شعبه تجدید نظر. اساسنامه دادگاه ویژه برای یوگسلاوی سابق تصریح می‌کند که فرایند اعاده دادرسی بر اساس ماده ۲۶ اساسنامه و با توجه به قواعد ۱۱۹ و ۱۲۰ از قواعد دادرسی و ادله تدارک دیده شده و اگر شعبه تجدید نظر تشخیص دهد که حکم باید مجدداً بازنگری شود باید حکم مجدد را پس از آن صادر کند»^{۱۳}

ماده ۱۱۹ آئین دادرسی و ادله دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق اشعار می‌دارد که «چنانچه حقیقت جدیدی کشف شود، متهم، و یک سال بعد از صدور رای قطعی ابلاغ شده، دادستان می‌تواند، نسبت به رای شعبه درخواست اعاده دادرسی نماید، به هر حال با بررسی اساسنامه دیوان‌های موقت، استنباط می‌شود که رویه و مقررات دیوان‌های موقت در خصوص اعاده دادرسی تا حدود زیادی نگران کننده است.

خواهد بود. برای تصمیم‌گیری در مورد اعاده دادرسی «در تاریخی که تعیین و به تجدید نظر خواه و تمام کسانی که ابلاغیه مندرج در بند ۳ قاعده ۱۵۹ را دریافت کرده‌اند، ابلاغ خواهد شد، شعبه مربوطه جلسه‌ای مقدماتی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا محکومیت با مجازات مورد اعاده دادرسی قرار بگیرد یا خیر، تشکیل خواهد شد»^{۱۰}

به استناد پاراگراف ۲ ماده ۱۶۱ آیین دادرسی و ادله: «برای برگزاری جلسه مقدماتی شعبه مربوطه تمام اختیارات شعبه بدوی (بر اساس بخش ۶) و قواعد دادرسی حاکم بر رسیدگی‌ها و تسلیم مدارک در شعبه مقدماتی و شعبه بدوی را با تغییرات لازم اعمال خواهد نمود»

در خصوص نحوه «تصمیم‌گیری مورد اعاده دادرسی بر اساس مقدمات قابل اعمال از پاراگراف ۴ ماده ۸۳ اساسنامه صورت خواهد گرفت»^{۱۱} پاراگراف ۴ ماده ۸۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «رای شعبه تجدید نظر به وسیله اکثریت قضاات صادر و در جلسه علنی قرائت خواهد شد. رای مزبور باید دلایلی را که بر آن مبتنی است بیان نماید چنانچه اتفاق آراء وجود نداشته باشد رای شعبه تجدید نظر باید متضمن نظریات اکثریت و اقلیت باشد با این حال هر قاضی می‌تواند از جنبه حکمی نظریه‌ای جداگانه یا مخالف ارائه دهد.»

۵.۱. حق اعاده دادرسی در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

همان‌طور که در فصل دوم بیان شد حق بازنگری به عنوان یکی از اصول حاکم بر یک دادرسی عادلانه در اولین اساسنامه‌های بین‌المللی یعنی اساسنامه دادگاه نظامی نورنبرگ و توکیو مورد توجه قرار نگرفته بود و اصولاً برای هیچ‌کس حق اعتراض نسبت به رای صادره وجود نداشته است و لذا باید گفت: در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو چنین حقی (اعاده دادرسی) برای متهم وجود نداشت (فضائلی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹). منطق اعاده دادرسی روشن است. هر چند حکم محکمه و مجازات مقرر اعتبار امر مختوم دارد. (یعنی قطعی و الزامی است) عدم اجازه اعاده دادرسی در صورت کشف واقعیت جدید که در زمان محاکمه بر کسی معلوم نبود و در صورتی که معلوم می‌شد ممکن بود به تصمیمی کاملاً

- پاراگراف ۱ ماده ۱۶۱ قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی ICC

- پاراگراف ۳ ماده ۱۶۱ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

¹² - In The Appeal Chamber , Prosecutor V. Dusco Tadic ° Case No .IT-94-1-R

¹³ - In The Appeal Chamber , Prosecutor V. Slijvancanian , Case No IT-95-13/1-R.1

جهاتی که می‌تواند موجب درخواست اعاده دادرسی گردد باید مشخص و تعیین و قانون‌گذاری می‌گردید و در کنار این دلایل، موجباتی که بر اساس آن دادستان نیز حق درخواست اعاده دادرسی را دارد نیز تعیین می‌گردید.

به طور کلی «از رویه قضایی دیوان‌های موقت استنباط می‌شود که آن‌ها تمایل دارند تا امکان توسل به این حق کلی را بپذیرند، هر چند هنوز دقیقاً روشن نشده است که تحت چه اوضاع و احوالی این حق می‌تواند اجرا شود. ویژگی بارز شیوه فوق‌العاده این است که اقدامی منحصر به فرد برای رفع اشتباه از تصمیمات نا عادلانه است»^{۱۴} از موارد تخفیف مجازات در اعاده دادرسی پرونده بلاسکیچ است. بلاسکیچ فرمانده نیروهای مسلح بود که مرتکب جنایاتی به همراه نیروی نظامی گردید او ابتدا در دادگاه به اعدام محکوم شد پس از آن بلاسکیچ ۸۰۰۰ سند دیگر به شعبه تجدید نظر ارائه داد که برخی از آن‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد متهم بعد از شعبه استیناف به جهت کشف دلایلی که قبلاً در دسترس نبوده تقاضای اعاده دادرسی می‌کند و عاقبت او در سه فقره جنایت محکوم گردید.»

در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق «در ۷ می ۱۹۹۷ تادیج توسط شعبه دوم دادگاه به یازده فقره جنایت علیه بشریت و نقض قوانین و آداب و رسوم جنگی محکوم گردید.

در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹، تادیج به وسیله شعبه استیناف به دلیل نقض کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو به نه فقره دیگر محکوم گردید.

او در ۲۶ ژانویه سال ۲۰۰۰ از حکم صادره از شعبه استیناف درخواست اعاده دادرسی نمود که عاقبت به بیست سال حبس محکوم گردید»^{۱۵}. در ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۰، در رابطه با اینکه، دادگاه استیناف حکمی در تأیید اهانت علیه شورای مشاوره از سوی میلان و وچین داد. شعبه استیناف برای تأیید آن به ارائه شهودی پرداخت.

در ۵ اکتبر ۲۰۰۱، متهم در دفاع درخواست بررسی مجدد نزد رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی را نمود. این درخواست بر اساس ماده ۲۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی و قاعده ۱۱۹ از آیین دادرسی و ادله بود»^{۱۶} متعاقب یافته‌های جدید، شعبه

«به سه جنبه مهم در این رابطه می‌توان اشاره کرد به ویژه اگر به این نکته توجه شود که ظاهراً متهم حق درخواست اعاده دادرسی حتی قبل از مرحله تجدید نظر دارد، دوم، قلمرو اختیار دادستان برای اعاده دادرسی خیلی گسترده است. سوم تصمیم‌گیری در خصوص قبول درخواست اعاده دادرسی و خود اعاده دادرسی نباید از سوی همان قضاتی به عمل آید که تصمیم مورد اعتراض را صادر کرده‌اند زیرا این امر می‌تواند مانع نقض رای قبلیشان شود. موضوع اعاده دادرسی در دادگاه کیفری رواندا هم مورد توجه قرار گرفته است.

از پرونده‌های مطروحه با موضوع اعاده دادرسی در دادگاه ویژه رواندا، قضیه «بایاگویسا» بود.

«متهم به دستور دیوان بیش از یک سال در کامرون بازداشت بود. در طول این مدت اتهام به وی تفهیم نشده بود، و به هیچ وجه، از دلائل بازداشت خود مطلع نشد، به جزء اینکه بازداشت به درخواست دیوان بوده است. نتیجتاً، او به واحد بازداشت دیوان منتقل شد، در آنجا وی چند هفته قبل از اینکه تفهیم اتهام شود و از اتهامات خود مطلع شود، بازداشت گردید. در نتیجه، او قبل از برگزاری جلسه اول دادگاه بیش از دو ماه در بازداشت به سر برد. متهم به خاطر نقض حقوق خود هم به شعبه بدوی و هم به شعبه تجدیدنظر شکایت کرد. شعبه بدوی درخواست متهم را رد کرد. اما، شعبه تجدیدنظر رای داد که نقض حقوق متهم آن چنان شدید بوده است که آزادی وی را توجیه می‌کند، هم زمان دادستان از ارائه اتهامات جدید در مورد وقایع مشابه منع گردید. دادستان ضمن اعتراض به این تصمیم، در صدد برآمد که خواهان اعاده دادرسی یا بازنگری در تصمیم مذکور شود. شعبه تجدیدنظر درخواست اعاده دادرسی را پذیرفت با این استدلال که دلائل جدیدی از سوی دادستان ارائه شده است و تفسیر گسترده‌ای نیز از مقررات مربوط به اعاده دادرسی به عمل آورد. نهایتاً، بر اساس دلائل جدید ارائه شده از سوی دادستان، شعبه تجدیدنظر تصمیم گرفت تصمیم قبلی خود را لغو نماید به این دلیل که نقض حقوق متهم از آنچه قبلاً مشخص شده بود، به مراتب شدت کمتری داشته است. لکن، تردیدی وجود نداشت که حقوق متهم نقض شده است» (زاپالا، سالوادور، پیشین، ص ۲۴۳).

بهترین تفسیری که از مقررات مربوط به یک اعاده دادرسی می‌توان استنباط کرد این است که حق درخواست اعاده دادرسی از آراء قطعی صورت گیرد برای این امر باید دلایل و

¹⁴ - ICTY appeal chamber Deliveres two major Judgments, Blaskic and krstic, case No. IT-95-14-A

¹⁵ - Tadic, IT ° 94-1-R77, Judgment and allegation of contempt Against prior Chamber

¹⁶ - TADIC, case No IT ° 94 ° 1 ° T, opinion and judgment

ج) یک یا چند قاضی شرکت کننده در صدور رای محکومیت یا تأیید اتهامات (در آن پرونده) مرتکب سوء رفتار شدید یا تخطی شدید از انجام وظایف با چنان اهمیتی شده‌اند که عزل آن قاضی یا قضات بر اساس ماده ۴۶ قابل توجیه است».

پس با این اوصاف پی می‌بریم که حق درخواست اعاده دادرسی در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به طور گسترده‌تر و مفصل‌تر از اساسنامه دادگاه‌های پیشین مورد توجه و قانون‌گذاری قرار گرفته است و گامی در جهت عادلانه نمودن دادرسی و تضمین حقوق دفاعی متهم بر داشته است و نشان از پیشرفت حقوق کیفری بین‌المللی می‌باشد.

۶. نتیجه گیری

منطق بازنگری از آراء این است که، با توجه به خطا پذیری اعمال بشری، فعالیت و عملکرد شعبه بدوی در رسیدگی، در مرحله دوم و در نزد یک دادگاه عالی‌تر، به وسیله قضاتی با تجربه تر و متفاوت از قضات قبلی، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. این ارزیابی معطوف به اشتباهات و خطاهای حکمی و موضوعی و یا هر دلیل دیگری بوده که منجر به بی اعتباری حکم و یا مجازات و به طور کلی نقض حقوق متهم گردیده است. در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و نیز اسناد حقوق بشری، پس از تأکید بر دادرسی منصفانه، از حق بازنگری از آراء، به عنوان یکی از تضمینات دست‌یابی به این شیوه دادرسی توجه شده است. با این حال، و علیرغم اینکه نظام حقوق بشر این حق را به طور کامل مورد شناسائی قرار داده، اما باید به نحوی مقررات مربوط به آن را مورد ارزیابی مجدد و اصلاح قرار دهد تا از هرگونه اقدام خودسرانه و سوء استفاده از این حق جلوگیری به عمل آید. تصویب و تقنین این حق بشر دوستانه و مورد نیاز در هر دادرسی عادلانه، در ابتدا با بحث‌ها و مخالفت‌هایی همراه بود، اما کمیسیون‌های تصویب مقررات، با پی بردن به اهمیت این حق، و به منظور تأمین و تضمین حمایت از حقوق بنیادی در یک دادرسی، این حق را قواعد و اساسنامه‌ها گنجانده‌اند. با استخراج و درک اصول حاکم بر حق بازنگری از آراء، می‌توان بیشتر به اهمیت این حق پی برد و برخی از این اصول عبارت هستند از: رسیدگی به اعتراض نزد یک دادگاه عالی‌تر با قضات با تجربه تر، و نیز ممنوعیت تصمیم‌گیری به ضرر متهم، که این اصل اخیر،

تجدید نظر اعلام کرد پیش شرط لازم برای اعاده دادرسی قطعیت حکم صادره است اعاده دادرسی به عنوان یک راه فوق‌العاده از تصمیم‌گیری است و هدف از آن اجازه مجدد محاکمه و بررسی پرونده به متهم با وجود شرایط استثنایی است حتی اگر چند سال از صدور حکم سپری شده باشد.

۵. ۱. ۲. حق اعاده دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

حق اعاده دادرسی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص محکومیت و یا مجازات پیش بینی گردیده، این قواعد بسیار پیچیده‌تر و مفصل‌تر از مقررات مربوط به اعاده دادرسی در دیوان‌های موقت می‌باشد. همان‌طور که گفته شد در دیوان‌های موقت علاوه بر متهم، دادستان نیز حق درخواست اعاده دادرسی حتی به ضرر متهم را داشت اما در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دادستان چنین حقی ندارد و تنها حق اعمال آن را به نفع متهم دارند. یک تصمیم صادره در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) ممکن است با توجه و بر اساس قواعد دادرسی و مورد بازنگری قرار گیرد این بازنگری می‌تواند توسط شخص محکوم شده، همسرش و فرزندش و یا دیگران صورت بگیرد. ممکن است تجدید نظر خواهی نسبت به حکم محکومیت مجازات و یا زمینه خاص در ماده ۸۴ اساسنامه صورت پذیرد.

ماده ۸۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به طور مفصل مقرراتی را در خصوص اعاده دادرسی مقرر کرده است: این ماده اذعان می‌دارد: «۱- محکوم علیه (پس از فوت او) همسر، فرزندان، والدین و یا شخصی که در موقع فوت محکوم علیه حاضر بوده و متوفی صریحاً یا کتباً به وی وصیت به انجام چنین درخواستی نموده، (یا دادستان از سوی وی) می‌توانند به جهات زیر از شعبه تجدید نظر نسبت به رای قطعی ناظر به محکومیت و یا مجازات محکوم تقاضای اعاده دادرسی نمایند: الف) ادله جدیدی کشف شده که: (۱) در زمان محاکمه در دسترس نبوده، و این عدم دسترسی کلاً یا جزئاً منتسب به متقاضی اعاده دادرسی نباشد؛

(۲) آنچنان مهم باشد که اگر در جریان محاکمه ارائه و تأیید می‌گردید، احتمالاً منجر به صدور رای دیگری می‌شد.

ب) اخیراً کشف شده باشد که ادله اساسی رای که در موقع محاکمه مدنظر قرار گرفته و محکومیت شخص مبتنی بر آن بوده، غیر واقعی، جعلی یا مزورانه بوده است؛

اساسنامه های دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، حق اعتراض به قرارها پیش بینی نشده بود، اما به دلیل اعتراضات صورت گرفته از سوی متهمین به ویژه در خصوص به چالش کشیدن صلاحیت دادگاه، به پیش بینی این موضوع در دادگاهها احساس نیاز گردید، لذا آن را در آئین دادرسی و ادله می توان مشاهده نمود. قاعده ۷۲ آئین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، اعتراضات اعدادی ناشی از اشتباه قانونی یا موضوعی را تجویز نموده است. اساسنامه دادگاه کیفری ویژه رواندا نیز، تنها تجدیدنظر اعدادی در خصوص صلاحیت دادگاه را مسموع دانسته است، در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی نیز، با اختصاص شراطی و گسترش زمینه اعتراض به قرارها، این نوع اعتراض را می پذیرد.

به طور کلی، در رسیدگی به اعتراض، شعبه تجدیدنظر هر جا که احساس کند رای اصداری از شعبه بدوی، غیر منصفانه بوده و به نحوی به اعتبار رای یا مجازات خدشه وارد کرده، یا رای با اشکال ماهوی یا حکمی مواجه است، می تواند رای را نقض و یا اصلاح نموده و یا دستور رسیدگی مجدد را بدهد. بالاخره اینکه، رسیدگی استینافی، رسیدگی و محاکمه مجدد نمی باشد، و شعبه رسیدگی به اعتراض، در صدد جایگزینی تصمیم خود با تصمیم متخذ از سوی شعبه بدوی نمی باشد، و فقط ممکن است رای اصلاحی صادر کند. این رسیدگی مبتنی بر دلائل خاص و معیارهای استاندارد، و از جمله مسائل مربوط به قانون واقع می شود. در اساسنامه ها، به دلیل حق گسترده ای که به دادستان برای تجدیدنظر خواهی داده است، این حق با اصل منع محاکمه مجدد برای جرم واحد تعارض پیدا می کند. تجدیدنظر خواهی راهی برای حمایت از حقوق دفاعی متهم است، علیرغم اینکه تجدیدنظر خواهی در بردارنده تضمین های اساسی برای حفظ حقوق متهم می باشد، اما ایراداتی چند بر قواعد مربوط به آن در اساسنامه ها وارد است: اولاً، اینکه قلمرو دقیقی برای تشخیص زمینه های تجدیدنظر خواهی تبیین نگردیده است و تنها به اشتباهات حکمی و موضوعی اشاره شده است، در حالی که مفاهیم این دو اصطلاح بسیار مبهم است و ممکن است از پرونده ای به پرونده دیگر تغییر کند، بر این اساس به نظر می رسد باید در اساسنامه ها، با تفسیری بهتر و دقیق تر و تعیین معیارهای تجدیدنظر خواهی زمینه های بهتری برای ایصال به یک دادرسی عادلانه و منصفانه ایجاد کند. دوم اینکه، قاعدتاً قضات رسیدگی کننده به تجدیدنظر خواهی

اصلی بسیار مهم و مورد تاکید و تأیید جامعه جهانی قرار گرفته است.

حق تجدیدنظر خواهی و اعاده دادرسی از آراء دادگاه های کیفری بین المللی، از زمان جنگ جهانی دوم تا تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، پیشرفت های زیادی داشته است. این حقوق در اساسنامه دادگاه های نظامی نورنبرگ و توکیو وجود نداشته است، و به دنبال آن در اساسنامه های دادگاه های کیفری ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا، اجمالاً مورد توجه قرار گرفت. هر چند در این دادگاهها، اساسنامه به طور ایجاز و اختصار به این حق پرداخته، اما آئین دادرسی و ادله این دادگاهها به تشریح و تقنین آن به تفصیل پرداخته است، ولی مقررات تصویب شده باز هم از جهاتی کاستی ها و ابهاماتی دارند، ولی این حق در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، به شکل مفصل تر و دارای توازن و سازگاری بیشتر از قبل با معیارهای حقوق بشری دارد.

این حق علاوه بر پیش بینی در اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی، در نوع دیگر دادگاهها، یعنی دادگاه های مختلط نیز، در دادرسی های خود، هم در ترکیب و ساختار دادگاه، مراجعی را برای تجدیدنظر خواهی پیش بینی کرده اند، و هم اینکه در اساسنامه و مقررات خود این حق را با معیارها و زمینه هایی مورد تصویب و قانون گذاری قرار داده اند. به طور کلی، آراء صادره از دادگاهها به سه دسته قابل تقسیم هستند: حکم، مجازات، و سایر تصمیمات قضائی (قرارها).

در اسناد و اساسنامه ها اغلب، استیناف خواهی و اعتراض به هر سه قسم پیش بینی گردیده است. در اولین دادگاهها که این حق وجود نداشت، تجدیدنظر خواهی از حکم اعم از برائت و محکومیت در ماده ۲۵ اساسنامه دادگاه ویژه برای یوگسلاوی سابق و ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کیفری ویژه رواندا پیش بینی گردیده است، و ماده ۸۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی به تجدیدنظر خواهی از حکم پرداخته است. در خصوص تجدیدنظر خواهی از مجازات باید گفت: اعتراض به این موضوع در اساسنامه دادگاه کیفری ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا صریحاً پیش بینی نگردیده بود، اما دادگاهها، در عملکرد و رسیدگی های خود به طور تلویحی و ضمنی این امر را پذیرفته است، اما اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی در بند ۲ ماده ۸۱ خود این امر را تجویز نموده است. بحث در خصوص اعتراض به قرارها و تصمیمات اعدادی در دادگاهها به طور مفصل تر قابل بررسی است. در

آراء غیر قطعی نیز قابل اعمال بدانند. از این منظر به نظر می‌رسد اولاً اینکه باید اساسنامه و قواعد دادگاه با رفع این ابهام، این حق را معطوف به آراء قطعی بدانند. زیرا از یکسو، اعاده دادرسی به عنوان یک راه فوق‌العاده اعتراض به آراء محسوب گردیده، یعنی اینکه اصل بر صحت رای صادره قبلی می‌باشد، لذا قاعدتاً زمانی رای به صحت آن داده می‌شود که رای قطعی گردیده و ثابت شده باشد، کما اینکه، قبل از این مرحله رای صادره قابل تردید و تشکیک می‌باشد، از سوی دیگر، در معیار اعلام شده برای تجویز این حق، سخن از کشف واقعیت جدید شده است، پس اگر این واقعیت کشف شده قبل از قطعیت رای باشد می‌تواند از موارد اعتراض عادی از آراء یعنی تجدیدنظر خواهی باشد و دیگر صحبت از اعاده دادرسی مفهوم واقعی خود را پیدا نمی‌کند. البته این به آن معنا نیست که ارائه ادله جدید در مرحله اعاده دادرسی ممکن نیست، بلکه بیانگر این مطلب است که هر گاه وقایع تازه پیش از حکم نهایی کشف شود نباید به دادرسی پژوهشی ارائه گردد، بلکه باید موضوع یک دادرسی تازه باشد، در حالی که ادله اضافه یا تازه مربوط به وقایعی که قبلاً در محاکمه بررسی شده، قابل ارائه به دادرسی پژوهشی است. پس باید بهترین تفسیر را از مقررات مربوط به اساسنامه‌ها در این خصوص، تجویز حق اعاده دادرسی از آراء قطعی است. ایراد مهم دیگری که بر مقررات اعاده دادرسی در دیوان‌های موقت وجود دارد، در خصوص اعاده دادرسی از سوی دادستان است.

ابهامات موجود در اساسنامه‌ها در تعیین معیارهای استفاده از این حق، می‌تواند برای همیشه یک پرونده کیفری را مفتوح نگه دارد، که این خود به نوعی در مغایرت با اصل منع محاکمه مجدد می‌باشد. ایراد دیگر، وجود حق گسترده دادستان برای اعاده دادرسی به ضرر متهم، در دادگاه‌های ویژه می‌باشد، که به نظر می‌رسد بایستی فهرست مشخصی از دلایل موجب اعاده دادرسی، تدوین گردد تا از یکسو به دادستان اجازه دهد در مورد ادله کذبی که متهم به صورت عمدی و آگاهانه ارائه داده است، درخواست اعاده دادرسی نماید و از سوی دیگر وسعت این حق برای دادستان، خلل و صدمه‌ای به حقوق متهم وارد ننماید. این در حالی است که در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، دادستان حق اعاده دادرسی بر ضرر متهم را ندارد و حدود و زمینه پذیرش اعاده دادرسی از سوی دادستان بسیار محدود گردیده است و دادستان تنها حق اعاده دادرسی به نفع متهم را دارد، اما

باید از بین قضاتی باشند که قبلاً در پرونده اظهارنظر ماهوی نکرده‌اند، چرا که ممکن است همان قاضی رسیدگی کننده در مرحله استیناف، اشتباهات خود در مرحله بدوی را نپذیرد. با توجه به اینکه قضات دادگاه‌ها به صورت گردشی در شعب فعالیت می‌کنند لذا باید تدابیری اندیشیده شود که پرونده مورد اعتراض به همان قاضی ارجاع نگردد، و ایراد سوم، وجود اختیار وسیع دادستان برای تجدیدنظر خواهی می‌باشد که اصل منع محاکمه مجدد را به خطر خواهد انداخت، لذا باید این حق محدود به مواردی گردد که دادستان می‌تواند به طور قطع و یقین مجرمیت متهم را اثبات نموده و برائت او را نقض نماید. به طور کلی، علیرغم اینکه تجدیدنظر خواهی دادستان از حکم برائت در مغایرت با اصل منع محاکمه مجدد برای جرم واحد نمی‌باشد، ولی نباید این حق به طور گسترده به دادستان اعطا گردد و باید معیارهای طرح و پذیرش آن محدود گردد. از دیگر راه‌های اصلاح اشتباهات قضائی و سوق دادن یک دادرسی و نتایج حاصل از آن به بی عدالتی به عدالت و انصاف اعاده دادرسی می‌باشد. اعاده دادرسی به عنوان یک طریقه فوق‌العاده اعتراض به آراء محسوب می‌گردد، چرا که با قطعیت رای، حکم صادره از هرگونه تعرضی مصون می‌باشد، اما این حق با معیارهایی خاص پیش بینی شده تا در صورت وجود زمینه آن، از متهم رفع محکومیت گردد.

اعاده دادرسی تحت شرایط خاصی مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد. اعتراض در مقام اعاده دادرسی زمانی پذیرفته می‌شود که، یک واقعیت، دلیل و یا مدرک جدیدی کشف گردیده، که در زمان رسیدگی بدوی و استینافی در دسترس نبوده، و در صورت دسترسی و مقبولیت آن، می‌توانسته یک عامل موثر و تعیین کننده در صدور رای باشد، و منجر به یک رای متفاوت گردد.

اعاده دادرسی هم در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و همچنین دادگاه‌های مختلط پیش بینی گردیده است. در این اساسنامه‌ها هم، در مقررات مربوط به اعاده دادرسی نواقص و ایراداتی را می‌توان مطرح کرد. یکی از ایرادات وارده این است که، آرائی که می‌توانند مورد اعاده دادرسی قرار گیرند، مشخص نگردیده، و تعیین نشده که، آیا اعاده دادرسی تنها از آراء قطعی امکان پذیر است، و یا استفاده از این حق در اعتراض به آراء غیر قطعی هم وجود دارد. همین ابهام موجب شده است که دادگاه‌ها در کنار پذیرش اعاده دادرسی از آراء قطعی، این امر را در خصوص

اساسنامه دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا چنین صراحتی ندارند. بر طبق قواعد مربوط به اعاده دادرسی، این موضوع توسط همان قضاتی مورد رسیدگی قرار

می‌گیرد که در مرحله بدوی اظهار نظر نموده و رای صادر کرده‌اند، مگر اینکه قضات قبلی در دسترس نباشند که در این صورت قضات دیگر باید در مسند رسیدگی به اعاده دادرسی قرار گیرند. اما ایرادی که می‌توان به این موضوع گرفت، این است که دادن حق تصمیم‌گیری در خصوص اعاده دادرسی به همان قضات رسیدگی‌کننده به رای مورد درخواست اعاده دادرسی، این خطر را دارد که، آن‌ها تمایلی به بررسی مجدد و اصلاح رای قبلی خود را نداشته باشند (زاپالا، سالوادور، پیشین) اما در قبال این ایراد می‌توان پاسخ داد، معیار برای پذیرش و تجویز اعاده دادرسی کشف واقعیت جدید و موثر در رای می‌باشد، پس با کشف واقعیت جدید قضات بدوی دلیل و واهمه‌ای از نقض رای بدوی خود ندارند. به علاوه، با کشف واقعیت جدید، به دلیل آشنائی قضات قبلی با جریان و محتویات پرونده، بهتر و سریع‌تر می‌توانند رای مورد نظر و مبتنی بر دلایل جدید را صادر کنند. در نهایت، با توجه به اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هم شامل مقررات شکلی و هم مقررات آئین دادرسی بین‌المللی می‌باشد، می‌تواند یک راهنمای خوب و موثر در تفسیر مقررات دیوان‌های موقت در نظر گرفته شود، و به لحاظ سادگی و مبهم بودن اساسنامه دیوان‌های موقت در برخی موارد، این دادگاه‌ها می‌توانند از اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی استفاده کنند.

سال ۷۳، شماره ۶۸. آقایی جنت مکان، حسین، (۱۳۸۶)، محاکمه قدرت مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

زاپالا، سالوادور، (۱۳۸۷)، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر آقایی جنت مکان، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ اول.

سلیمی، صادق، (۱۳۷۶)، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران، انتشارات خیام، چاپ اول.

شبث، ویلیام، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر میر عباسی، انتشارات جنگل، چاپ اول.

فضائلی، مصطفی، (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه در محاکمات بین‌المللی، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دانش چاپ اول.

کسسه، آنتونیو، (۱۳۸۷)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و غیره، انتشارات جنگل، چاپ اول.

گرینگساک، (۱۳۸۲)، حقوق کیفری بین‌المللی، مترجم دکتر آقایی جنت مکان انتشارات دانشور چاپ اول.

معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، ج ۱، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

مقالات

امیدی، ج، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس مفاد بین‌المللی و منطقه‌ای (۳) وبلاگ حقوقی راسخون.

جاهد، محمد علی، نگاهی اجمالی به حق تجدید نظر خواهی در اسناد حقوق بشر، وبلاگ حقوقی انصاف

حسینی، محمد جواد، (۱۳۸۷)، دیوان کیفری بین‌المللی و دستگیری رئیس‌جمهور سودان در رابطه با بحران دارفور، فصلنامه مطالعات آفریقا.

حسینی، نجم الدین، حق دفاع متهم در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، پایگاه اینترنتی حقوق امروز.

خزانی، منوچهر، (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات، اثر انتقالی پژوهش در احکام کیفری انتشارات گنج دانش.

داوید، اریک، دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، مترجم رحیمی، مجله حقوقی شماره ۱۸ و ۱۱.

پیشنهادها

۱- در دادگاه‌های موقت حق تجدیدنظر خواهی برای تجدید نظر خواه افزایش پیدا یا حداقل بر اساس اساس نامه دیوان بین‌المللی کیفری تعیین شود.

۲- سرعت در رسیدگی تجدیدنظر خواه و آرای قابل اعاده دادرسی بین‌المللی

۳- اعطای آزادی بیشتر به شعب مقدماتی دادگاه کیفری بین‌المللی

۷. منابع و مأخذ

منابع فارسی

اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل کیفری، گزیده مقالات، نشر میزان، چاپ چهارم.

رحمدل، منصور، (۱۳۸۸)، منع تشدید مجازات در مرحله تجدید نظر، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۳، شماره ۶۷.

زالمن، ماروین، دادرسی کیفری در حقوق بشر، ترجمه دکتر امیدی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی سپهوند، ا، (۱۳۸۱)، اعاده دادرسی در قوانین کیفری، ماهنامه دادرسی، شماره ۳۲.

سرشار، محمود، اعاده دادرسی، (۱۳۳۱)، مجله حقوقی کانون وکلا دوره اول، شماره ۲۸

شریفی خضارتی، امیر، (۱۳۸۹)، دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو، روزنامه اطلاعات شماره ۱۸ ۲۴۷۵۴

صابر، محمود، تضمین‌های دادرسی عادلانه ناظر بر ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، علوم جنایی شماره ۲.

طباطبایی، احمد، (۱۳۸۴)، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی سال سوم شماره نهم .

فرخی هودر، محمد، (۱۳۸۵)، دادگاه ویژه عراق در پرتو حقوق کیفری بین‌المللی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳.

منصور آبادی، عباس، (۱۳۸۴)، حق تجدید نظر در فرایند دادرسی عادلانه، مجله اندیشه‌های حقوقی شماره ۸ .

میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات حقوق جزای بین‌المللی، نشر میزان.

هدایتی، محمد علی، (۱۳۴۲)، آیین دادرسی کیفری، انتشاران دانشگاه تهران، چاپ سوم.

منابع انگلیسی

About The ICTY the case / Legal library
 Pres outreach , www. Icty. Org / x/ cases /
 dragomir ° Milosevic/ acjub / en/ 91112-
 summary-en.pdf
 Appeal chamber ,Aquites andre leases
 Zigiranyirazo ,http://www.ICTR.Org